

کرملین اعلام کرد: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از ۱۶ تا ۱۷ مه (۲۷ و ۲۸ اردیبهشت) به دعوت شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین به عنوان اولین سفر خارجی خود در دوره جدید تصدی پست ریاست جمهوری، به این کشور سفر کرد. خبرنگاران نوشت، دفتر مطبوعاتی کرملین روز سه‌شنبه اعلام کرد که ولادیمیر پوتین علاوه بر دیدار با شی جین‌پینگ، در جریان سفر خود به چین با لی جیانگ، نخست‌وزیر جمهوری خلق چین، برای گفت‌وگو درباره همکاری‌ها در زمینه‌های اقتصادی و بشردوستانه نیز دیدار خواهد کرد. کرملین افزود: رهبران دو کشور پس از مذاکرات خود بیانیه مشترکی را امضا و در مراسمی به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد روابط دیپلماتیک بین چین و اتحاد جماهیر شوروی شرکت خواهند کرد. هواچونینگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین هم در بیانیه‌ای اعلام کرد که دو طرف درباره «روابط دو جانبه، همکاری در زمینه‌های مختلف، و مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای مورد علاقه مشترک» گفت‌وگو خواهند کرد. پوتین همچنین به شهر هاربین در شمال شرق چین سفر خواهد کرد تا از یک نمایشگاه تجاری و سرمایه‌گذاری بازدید کند. نمایشگاه چین و روسیه در هاربین میزبان بیش از ۱۴۰ شرکت از جمله خودروساز چینی FAW's Hongqi، تولیدکننده نفت سینوپک و شرکت راه‌آهن CRCC است. به گفته وزارت بازرگانی چین، انتظار می‌رود بیش از ۲۰۰ پروژه در این رویداد امضا شود. این دومین سفر پوتین طی شش ماه گذشته به چین خواهد بود که پس از تحریم‌های کشورهای غربی به دلیل حمله نظامی روسیه به اوکراین، یک راه نجات اقتصادی برای روسیه است. در این سفر یک هیأت تجاری بزرگ از جمله آنتون سیلوانوف (وزیر دارایی) و الویرا ناپولینا (رئیس بانک مرکزی روسیه) پوتین را همراهی خواهند کرد. چین و روسیه در فوریه ۲۰۲۲ یعنی چند روز قبل از اعزام ده‌ها هزار نیروی روسی به اوکراین، شراکت «بیدون محدودیت» را اعلام کردند. پوتین پس از تلاش آمریکا و متحدانش برای منزوی کردن روسیه - به عنوان مجازات جنگ در اوکراین - به سمت چین چرخید. از فوریه ۲۰۲۲، یکن به بزرگ‌ترین بازار نفت و گاز روسیه و همچنین به صادرکننده اصلی به روسیه تبدیل شده است. داده‌های گمرک چین نشان می‌دهد که تجارت چین و روسیه در سال ۲۰۲۳ به رکورد ۱.۲۴۰ میلیارد دلار رسید است که نسبت به سال قبل ۳.۲۶ درصد افزایش داشته است. همچنین روسیه با افزایش بیش از ۲۴ درصدی صادرات نفت به چین در سال ۲۰۲۳ به رغم تحریم‌های غرب، به بزرگ‌ترین تامین‌کننده نفت خام چین تبدیل شده است.

تهدیدات بی‌نتیجه واشنگتن

ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای نگران نقش چین در کمک به روسیه برای تجهیز ماشین جنگی مسکواست و به یکن‌هنگار داده است که شرکت‌های چینی ممکن است به دلیل تامین صنایع دفاعی مسکوا با تحریم‌های ناتویه روبه‌رو شوند. ایالات متحده در آخرین اقدامات تشبیهی خود بیش از ۲۸ نهاد از جمله ۲۰ شرکت مستقر در چین و هنگ‌کنگ، را برای فلج کردن قابلیت‌های نظامی و صنعتی روسیه تحریم کرد. البته چین اعلام کرده است که صادرات کالاهای دو منظوره را به دقت زیر نظر دارد و انکار می‌کند که تجارتش با روسیه چیزی خارج از مبادلات عادی دوجانبه است. در طول دو سال گذشته، دولت‌های روسیه و چین توانایی قابل توجهی برای انطباق با محدودیت‌های ایالات متحده نشان داده‌اند. تیم اقتصادی که در سفر پوتین به چین وی را همراهی می‌کنند در پی این هستند که تادر برابر شوک تحریم‌ها روسیه را مقادوم کنند و پس از آن، سیستم مالی روسیه را به سرعت از وابستگی به دلار و یورو به وابستگی به رنمینبی تغییر دهند. تا دسامبر سال ۲۰۲۳، رنمینبی بیش از یک سوم از تسویه حساب‌های تجاری روسیه با شرکای خارجی را به خود اختصاص داده بود. سپرده‌های رنمینبی در روسیه در سال ۲۰۲۳ به ۷.۶۸ میلیارد دلار رسید که از دارایی‌های دلاری بیشتر بود.

دلایل حمایت چین از روسیه

چین مانند سایر بازیگران بین‌المللی در نهایت امر به منافع خودش نظر دارد. یکن می‌داند که هرچه پوتین در غرب منزوی‌تر شود، بیشتر مجبور به چرخش اقتصاد روسیه به سمت همسایه بزرگ شرقی‌اش می‌شود. یکن سعی دارد تا روسیه را به بازاری برای مصرف‌کننده‌ای چینی تبدیل کند و در عین حال از نفت و گاز روسیه که اکنون مجبور است آن را زیرقیمت بازار به فروش برساند بهره‌مند شود. علاوه بر این چین سعی دارد تا از مورد روسیه و اوکراین الگو برداری کرده و در سال‌های آینده اقدامی شبیه اقدام پوتین را در مورد تایوان تکرار کند در سمت به همین دلیل در حالی‌که یکن خواهان تشدید تنش نیست، علاقه عمیقی برای اطمینان از عدم شکست روسیه در جنگ اوکراین دارد به همین جهت چین تلاش دارد از راه‌های مختلف به روسیه کمک کند تا از پیروزی این کشور در جنگ اوکراین اطمینان حاصل کند.

صبح زنگنه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نیازی به سلاح هسته‌ای

برای بازدارندگی نداریم



ایران تمایلی به ساخت سلاح هسته‌ای ندارد

اسرائیل دوست دارد با تشکیلات خودگردان طرف باشد

ایران نشان داد شاخ غول اسرائیل شکستنی است



آرمان ملی - احسان اسقایی: این روزها سخنان سیدکمال خرازی در ارتباط با احتمال تغییر هسته‌ای ایران در صورت به خطر افتادن امنیت کشور از سوی دولت‌های خارجی موجب شده که برخی رسانه‌ها از احتمال تغییر راهبرد هسته‌ای ایران سخن به میان آورند. حتی در آمریکا نیز به این سخنان واکنش نشان داده شده است. به طوری که سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده که این کشور نمی‌خواهد ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای حرکت کند. واقعیت آن است که ایران نیز به این راحتی‌ها استراتژی خود را به سمت ساخت سلاح هسته‌ای تغییر نخواهد

داد، چرا که هنوز درهای مذاکره به منظور بازگشت به برجام و لغو تحریم‌ها باز است و کورسوی امید برای عبور بدون مشکل ایران و آمریکا از مسیری که حرکت در آن را از چند ماه قبل آغاز کرده‌اند وجود دارد. در عین حال این سوال مطرح می‌شود که اگر ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای حرکت کند؛ چه خواهد شد؟ آیا ساخت سلاح برای ایران بازدارندگی ایجاد می‌کند؟ پرسش‌های متعددی در این ارتباط مطرح است که باید به آنها پاسخ داده شود. در همین راستا صباح زنگنه، کارشناس روابط بین‌الملل با آرمان ملی به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

چند روز قبل آقای خرازی، رئیس شورای راهبردی سخنانی را در ارتباط با احتمال تغییر راهبرد هسته‌ای ایران مطرح کرد، ارزیابی شما از این سخنان چیست؟

بخت استفاده از سلاح هسته‌ای جز یکبار که آمریکا‌ها از آن استفاده کرده و ژاپن را مورد اصابت بمب هسته‌ای قرار دادند، دیگر تکرار نشده و کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به دلایل مختلف از این سلاح مخرب استفاده نکرده‌اند. بلکه از این سلاح به عنوان آخرین ابزار بازدارنده در برابر حملات دیگران بهره می‌برند.

این بازدارندگی به چه معناست؟

باید دقت شود داشتن سلاح هسته‌ای، مراحل ساخت آن، نحوه نگهداری و قوانین و مقررات تعیین شده، بسیار مهم است. اگر کشورهایی که در ۲ الی ۳ دهه اخیر به سلاح هسته‌ای مجهز شده‌اند را مورد بررسی قرار دهید، متوجه خواهید شد که این سلاح تنها به عنوان ابزار بازدارنده در این کشورها استفاده می‌شود مانند چین که در برابر شوروی مجهز به سلاح هسته‌ای شد. شوروی در مقابل آمریکا، هند در مقابل قدرت‌های بزرگ آن زمان و پاکستان در برابر هند اقدام به ساخت سلاح حرکت کردند.

تل‌آویو نیز به منظور استفاده از همین توان بازدارندگی به سمت ساخت سلاح هسته‌ای رفته است چرا که در اوج جنگ غزه برخی وزرای افراطی اسرائیل پیشنهادهای حمله هسته‌ای به غزه را مطرح کردند.

رژیم صهیونیستی از همان اوایل توسط کشورهای غربی به دانش تولید سلاح هسته‌ای مجهز شد و اینکه این رژیم چه تعداد سلاح هسته‌ای دارد، بحث دیگری است. البته این رژیم به هیچ سازمان بین‌المللی اجازه بازرسی از مراکز هسته‌ای‌اش را نداده و نمی‌دهد. دلیل اصلی شدن رژیم صهیونیستی هم این است که کشورهای منطقه نتوانند ماهیت آن را به چالش بکشند. هرچند در طول اتفاقات اخیر شاهد به چالش کشیده شدن این رژیم بودیم.

اشاره به قدرت بازدارندگی سلاح هسته‌ای برای دفاع کشورها از امنیت خودشان کردید. اکنون این سوال مطرح است که چرا ایران که همواره مورد تهدید و هجمه کشورهای غربی و آمریکا است، نباید به این سمت حرکت کند؟

در کشور ما به دلایل انسانی و به علت مسائل فقهی تمایلی به ساخت سلاح وجود ندارد.

شرایط داخلی اسرائیل آشفته است و آتش بس با حماس در حال تبدیل شدن به خواسته عمومی در تل‌آویو است. آیا اسرائیل تحت این فشارها تن به آتش بس می‌دهد و در این صورت شرایط برای زیست سیاسی اسرائیل چگونه خواهد شد؟

حماس بسیار عاقلانه و حکیمانه آتش بس مطرح شده درگفت‌وگو با حضور مصر و قطر را پذیرفته و عملا توپ را در زمین رژیم صهیونیستی انداخته است. رژیم صهیونیستی البته تحت فشارهای داخلی در تلاش است با حمله به رفح از زیر بار پاسخگویی به موافقت حماس خارج شود. این موضوع نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در یک بن‌بست بسیار سختی قرار گرفته و این بن‌بست حتی ممکن است به سقوط نتانیاها منجر شود. حتی اگر نتانیاها سقوط نکند ائتلاف کنونی در دولت اسرائیل از بین خواهد رفت. موافقت حماس فقط حداقل‌های مورد انتظار نیروهای مقاومت از فلسطین تا عراق و سوریه و یمن است. برخی از مقامات آمریکا حتی اعلام کردند که ممکن است که در تغییراتی در ارسال سلاح به اسرائیل صورت دهند که این موضوع در نتایج جنگ اثرگذار است. هرچند این سخنان تعدیلی در ماهیت جنایتکارانه آمریکا و اسرائیل ایجاد نخواهد کرد.

نظرتان درباره روند عادی سازی بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و قضیه توافقنامه چیست؟

حکومت عربستان تلاش می‌کند شرایط بهتری برای خود ایجاد کند و تصور حکام سعودی این است که برای رهایی از شر رژیم صهیونیستی باید با آن داد و ستد و تعامل داشته

حماس بسیار عاقلانه و حکیمانه آتش بس مطرح شده درگفت‌وگو با حضور مصر و قطر را پذیرفته و عملا توپ را در زمین رژیم صهیونیستی انداخته است. رژیم صهیونیستی البته تحت فشارهای داخلی در تلاش است با حمله به رفح از زیر بار پاسخگویی به موافقت حماس خارج شود. این موضوع نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در یک بن‌بست بسیار سختی قرار گرفته و این بن‌بست حتی ممکن است به سقوط نتانیاها منجر شود. حتی اگر نتانیاها سقوط نکند ائتلاف کنونی در دولت اسرائیل از بین خواهد رفت

باید و عادی سازی راتنها راه آن می‌دانند. اما شرایط موجود در غزه و همچنین پیشینه مذاکرات انجام شده برای عادی سازی و مطالباتی که عربستان در گذشته داشته، شرایط را برای حکام این کشور سخت کرده و فعلانی توان امتیاز بیشتری از اسرائیل بگیرند. آمریکایی‌ها در حالی برای انعقاد یک توافق با دولت سعودی تقلا می‌کنند که هر دو کشور یک‌تصور یا توهم عجیبی از مسائل منطقه‌ای دارند و این نشان می‌دهد، شرایط منطقه و روند تحولات منطقه را به خوبی درک نکرده‌اند و متوجه نیستند مسائل خاورمیانه به کدام سمت و سو می‌رود. آیا درخواست امنیت و امضای توافق نامه امنیتی با کاخ سفید می‌تواند امنیت منطقه را برقرار کند؟ آیا به ازای این امنیت قرار نیست، برای به رسمیت شناختن اسراییل و دادن امتیاز به این کشور مقدمه چینی شود؟ آنهم در شرایطی که اسراییلی‌ها همچنان به کشتار در غزه، رفح و در مناطق دیگر و در کرانه غربی رود اردن ادامه می‌دهد و کار را به جایی رسانده است که صدای اعتراضی نه فقط مردم فلسطین، بلکه مردم منطقه و از این فراتر مردم کل جهان را بلند کرده است. تقلا برای این توافق امنیتی در حالی صورت می‌گیرد که پیش از این بین آمریکا و عربستان توافق نامه‌های زیادی امضا شده است. در واقع آمریکایی‌ها تا همین‌کننده تسلیحات سعودی‌ها بوده و هستند. یعنی این تصور را در بین دولت سعودی ایجاد کرده بودند که با خرید تسلیحات از آمریکا و احیاناً حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در پایگاه‌های داخلی یا پیرامون عربستان می‌تواند امنیت‌شان را تضمین کند. اما یک قرأت درست از تحولات و تاریخ خاورمیانه این تصور را باطل می‌کند. در واقع آمریکا در افغانستان مدعی حمایت از دولت این کشور بود و بعد ناگهان دولت رسمی را رها کرد و حکومت را به طالبان سپرد. البته در جاهای دیگر هم آمریکایی‌ها نتوانسته بودند به وعده‌های خود عمل کنند. صادیقی از این دست نشان می‌دهد که به هیچ وجه نباید به آمریکایی‌ها اعتماد کرد.

یعنی سخنان آقای خرازی تنها یک چراغ قرمز و اخطار به غرب است؟

همان طور که اشاره کردید، بارها اعلام شده ایران تمایلی به ساخت سلاح هسته‌ای ندارد اما در شرایطی که ملاحظه می‌شود که صهیونیست‌ها به همه کشورهای همسایه تعرض

بمعنی سخنان آقای خرازی تنها یک چراغ قرمز و اخطار به غرب است؟

همان طور که اشاره کردید، بارها اعلام شده ایران تمایلی به ساخت سلاح هسته‌ای ندارد اما در شرایطی که ملاحظه می‌شود که صهیونیست‌ها به همه کشورهای همسایه تعرض

بمعنی سخنان آقای خرازی تنها یک چراغ قرمز و اخطار به غرب است؟

همان طور که اشاره کردید، بارها اعلام شده ایران تمایلی به ساخت سلاح هسته‌ای ندارد اما در شرایطی که ملاحظه می‌شود که صهیونیست‌ها به همه کشورهای همسایه تعرض

جمهوری اسلامی ایران نیازی به داشتن سلاح هسته‌ای ندارد تا قدرت بازدارندگی در برابر اسرائیل باشد، چرا که مشاهده کردید ایران با نمایش تعدادی از پهپادها و موشک‌ها نشان داد که اسرائیل آن غول نیست که نتوان شاخش را شکست. این قدرت اساسی که رژیم صهیونیستی را باز می‌دارد و باز خواهد داشت

آرمان ملی

ذره بین

رقیب پاکستانی جابهار، شزن دوم می‌شود؟

جان کالابرس، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه آمریکن واشنگتن در یادداشتی در اندیشکده آمریکایی «خاورمیانه» نوشت: شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، نواز شریف، نخست‌وزیر وقت پاکستان در جریان سفر آوریل ۲۰۱۵ خود به اسلام‌آباد، کریدور اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) را کلنگ زنی کردند که یکی از پروژه‌های در دست‌اجرادر چارچوب ابرپروژه کمربند و راه چین است. این پروژه که ارزش اولیه آن ۴۶ میلیارد دلار برآورد شده بود، به سرعت ۶۲ میلیارد اعتبار را به خود اختصاص داد که معادل یک پنجم کل تولید ناخالص داخلی پاکستان است و در بردارنده پروژه‌های متعدد و عظیم انرژی و زیرساختی است که به کریدور اقتصادی چین و پاکستان متصل می‌گردد. به گزارش «انتخاب» در ادامه این مطلب آمده است: مقام‌های پاکستانی کریدور اقتصادی چین و پاکستان را یکی از ستون‌های کلیدی روابط مستحکم کشورشان با چین می‌دانند و بر اهمیت دستور کار پاکستان برای ارتقای ارتباطات منطقه‌ای و گسترش توسعه پایدار، تاکید دارند. این کریدور می‌تواند موجب تقویت قابل توجه بخش‌هایی از زیرساخت‌های پاکستان شود و ضمن برطرف ساختن بخشی از مشکل کمبود برق، سبب ایجاد ده‌ها هزار فرصت شغلی جدید گردد. گوادر که در منطقه استراتژیک دهانه تنگه هرمز در دریای عرب قرار گرفته و زمانی یک بندر متروکه بود، به عنوان بخشی از توسعه کریدور اقتصادی دو کشور احیا شده و در سال ۲۰۲۱ به صورت کامل بهره‌برداری از آن آغاز شده است. مقام‌های پاکستانی اکنون گوادر را «کل سرسبز» کریدور اقتصادی چین و پاکستان تلقی می‌کنند. با این وجود، گوادر هنوز پتانسیل‌های خود را به‌فعلیت تبدیل نکرده و نتوانسته به عنوان یک قطب ترانزیتی و ترانزیشنمنت منطقه‌ای تبدیل شود. این بندر دریایی همچنین اقتصادی محلی را آنگونه که انتظار می‌رفت شکوفا نساخته، موجب تسهیل ارتباطات جهانی پاکستان نگشته و دسترسی مستقیم چین به اقیانوس هند را فراهم ننموده است. آشفتگی سیاسی عدم امنیت می‌تواند پروژه گوادر را از مسیر خود خارج سازد و پتانسیل کریدور اقتصادی چین و پاکستان را تضعیف نماید. این در حالی است که خود این پروژه با چالش‌های متعددی از جمله برنامه‌های زمان‌بندی متوقف شده، اتهام فساد و حوادث تروریستی مواجه است. سوال اینجاست که آیا تمرکز مجدد بر بندر گوادر و بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و امنیتی منطقه پیرامونی آن می‌تواند به اسلام‌آباد و یکن کمک کند تا جلوی شکست پروژه کریدور اقتصادی چین و پاکستان را بگیرد؟ استان بلوچستان واقع در جنوب غربی پاکستان به جهت میزبانی از جاده‌های اصلی‌ای که کریدور اقتصادی چین و پاکستان را از طریق بندر گوادر به دریای عرب پیوند می‌دهد، یک عنصر لاینفک در موفقیت این پروژه به‌شمار می‌رود. در واقع ویژگی محوری این کریدور و یکی از عوامل پیوند دهنده پروژه کمربند جاده چین به جنوب آسیا دسترسی به اقیانوس هند از طریق دریای عرب است. مقام‌های چینی از گوادر به عنوان «شزن دوم» یاد کرده‌اند؛ شهری در جنوب چین که زمانی یک «دهکده کوچک ماهیگیری بود و در طی دهه‌های گذشته با رشد و رونق خیره‌کننده به نماد تحول اقتصادی و تکنولوژیک چین تبدیل شده است. ژانگ بانژوژنگ، رئیس سابق هولدینگ بنادر فرامرزی چین در باره گوادر گفته: «بندر گوادر مانند یک صفحه کاغذ سفید است و ما می‌توانیم زیباترین نقاشی را روی آن بکشیم.»

اما گوادر «یک صفحه کاغذ سفید» نیست. برعکس، این بندر و جوامع محلی ساکن در اطراف آن، در بلوچستان ساکن‌اند که یک استان کم‌جمعیت، اما پهناور و از نظر وسعت قابل مقایسه با آلمان است. دهه‌های نوجویی دولت مرکزی در کنار اقدامات سرکوبگرانه حکومت موجب ایجاد ناراضی‌های عمیق در میان ساکنان این استان گشته است. به رغم فراوانی منابع طبیعی، بلوچستان همچنان توسعه‌نیافته‌ترین و فقیرترین منطقه پاکستان به‌شمار می‌رود. بخش اعظم ساکنان این استان فاقد امکانات اولیه نظیر سیستم فاضلاب مناسب و آب سالم هستند. به علاوه، بر اساس گزارش اسنادآب و هوایی جهانی در زمینه سیلاب‌ها در سال ۲۰۲۲، بلوچستان به شدت در برابر فجایع زیست‌محیطی آسیب‌پذیر است. خاستگاه و سیر تکامل کریدور اقتصادی چین و پاکستان به شکل جدایی‌ناپذیری با صحنه سیاسی پراشوب و نخبه‌زنی پیوند خورده است. این پروژه تحت رهبری نواز شریف، نخست‌وزیر وقت پاکستان آغاز شد. عمران خان، جانشین وی هرچند با تاخیر، اما به‌طور کامل از آن استقبال نمود و از سوی رقبای سیاسی‌اش به ممانعت از پیشرفت آن منتهم گشت و در نهایت اهمیت استراتژیک پروژه و پتانسیل آن برای تقویت توسعه اقتصادی را پذیرفت. پس از آنکه در پی انتخابات اخیر حزب مسلم لیگ شاخه نواز به قدرت بازگشته است، این انتظار وجود دارد که تحت تاثیر تعهد بلندمدت حزب و خانواده شریف به پروژه‌های سرمایه‌گذاری و زیرساختی چینی‌ها، تمرکز پاکستان بر کشیدن پروژه کریدور اقتصادی چین و پاکستان افزایش یابد. اظهارات اخیر مقام‌های چینی در تاکید بر تعهدشان نسبت به سرعت بخشیدن به فاز دوم کریدور اقتصادی دو کشور نشان دهنده اعتماد یکن به توانایی دولت جدید جهت پیشبرد این پروژه است. بندر گوادر که در استان بلوچستان واقع شده، گل سرسبز کریدور اقتصادی چین و پاکستان به‌شمار می‌رود. اما منطقه گوادر و این استان همچنان در زمینه شاخ‌های مهم توسعه در مقایسه با سایر مناطق پاکستان عقب مانده هستند و نرخ بالای فقر و بیکاری، نرخ بالای بی‌سوادی و شمار بالای مرگ و میر نوزادان در این استان قابل توجه است. وضعیت امنیتی در بلوچستان همچنان شکننده است و افزایش ناراضی‌های عمومی موجب شده تا اعتراضات مردمی در اطراف بندر گوادر شکل بگیرد. گسیل سرمایه‌های چینی از طریق کریدور اقتصادی چین و پاکستان منجر به افزایش حضور کارگران چینی در بلوچستان، تشدید نگرانی‌های موجود از جابه‌جایی‌های قومی در میان جمعیت محلی و ایجاد تصور همدستی چینی‌ها در اقدامات سرکوبگرانه دولت پاکستان شده است. همچنین با توجه به هدف قرار گرفتن مکرر اتباع چینی توسط بیکار جوانان، نگرانی‌های امنیتی نیز به یک عامل فزاینده تنش بین یکن و اسلام‌آباد تبدیل گشته است. با توجه به این فشارها، دولت جدید در اسلام‌آباد ممکن است برای پیشبرد پروژه توسعه بندر گوادر، به سمت سرکوب خشونت‌آمیز و محافظت نظامی شدید از مناطق تحت سرمایه‌گذاری برود. اما چنین رویکردی احتمالاً موجب تقویت روایت‌های نواستعماری خواهد شد که در آن بلوچستان به عنوان محل استعمار نیروهای خارجی برای بهره‌برداری از منابع پاکستان توصیف و تبعات منفی‌ای را به دنبال خواهد داشت. به رسمیت شناختن ناراضی‌های محلی و در پیش گرفتن یک استراتژی توسعه محور که در آن نیازهای اجتماعی اقتصادی جوامع محلی اولویت یابد و مشارکت مردم محلی در تصمیم‌گیری و اجرای فعالیت‌ها مورد تشویق قرار گیرد، جزئی ضروری برای تضمین پیشرفت پایدار همکاری دو کشور در این منطقه خواهد بود.